رسالة مسائل الرجعية

هو المیسر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا و بعث فی الامیین رسولا منهم
یتلوا علیهم آیاته فبشر فضلا و لا یهدی به عربا و فهرا صلی الله علیه و علی آله و صحبه
اجمعین [illegible] و سلم و علی کل مومن به من ملائکة الجان و بنی آدم [illegible] اما بعد چون بتاریخ بست و ششم درین
یکهزار و دو صد و پنجاه و پنج سال که خاندان عالیشان ملا صاحب [illegible] متعالی
مکان محمد قائم زمان خان ولد او سلطان محمد باز خان مرحوم متوطن [illegible] پور
پرگنه کول علی گذه وارد بلده دار الخلافت شاهجهان آباد شد و سی و پنج
مسایل بطریق استفتا بخدمت جناب مستطاب مسند الفقهاء و المحدثین
قدوة العباد و الزاهدین مولانا و بالفضل اولانا [illegible]
ابقاه الله علی روس اهل الحق و الاخلاق [illegible]
شیخ عبد العزیز محدث دهلوی غفر الله له [illegible]

از دهلی ضلع [illegible]

[illegible] نقل عبارت از کتب نمود و بنده ضعیف کاتب الحروف سید ابو محمد
[illegible] عبد السبحانات که در بین شهر [illegible] مقیم بود و برای تجدید
[illegible] بات این اسئله معین فرمود [illegible] که جواب سوالات سائلین بعد
[illegible] رعایت و ارشاد طریقه سید المرسلین بر علمای ربانیین فرض و واجب است
[illegible] کریمه را بتمه زیک محدث مولانا محمد [illegible] جزاه الله عنا و عن سائر المستفیدین
مسائل [illegible] بوصف لوق عوارض جسمانی و وجود عوائق روحانی حسب سوالات سائل
از کتب معتبره تلاش فرموده بجواب آن مسائل پرداخت و این خلاصه کتب را
برای [illegible] دیگر مسلمانان محمدی هم در رسوم [illegible] و ماتم دستور العمل ساخت
2 چنین این خادم اهل ایمان بموجب [illegible] ایشان از پنج سوالات دیگر در آن افزوده
به مسائل اربعین فی بطلان سنة بسید المرسلین نام نهاد و الله الهادی سبیل
سبیل الرشاد [illegible] در بیان آنکه بر همه مسلمانان لازم و واجب است که سنت
[illegible] و سنت خلفای راشدین و طریقه ائمه مجتهدین که در کتب معتبره اهل
سنت و جماعت موجود اند دریافت نموده در شادی و غم جاری نمایند
در ملامت هیچ لایم باک ندارند چنانکه عبادة بن الصامت صحابی رضی الله عنه
میگوید بایعنا رسول الله صلی الله علیه وسلم على السمع والطاعة في العسر واليسر والمنشط
والمكره وعلى أثرة علينا وعلى أن لا ننازع الأمر أهله وعلى أن نقول بالحق أينما
كنا لا نخاف في الله لومة لائم [illegible] بیت [illegible]

خواه مطلق از ترک بدعت و خواه بعد و چه گناه و معصیت بوده است و باعث
لقوله علیه الصلوة والسلام من تمسک بسنتی خیر من احداث بدعة [illegible]
[illegible] بنا بر آنکه سنت را بدعت و بدعت را سنت بلکه فرض و واجب دیده
بود دانسته بالقاب ناشایسته یاد میکنند درین صورت اخذ سنت و ترک بدعت با
شدة تمام و رد اهل بدعت اقدم میدارند چنانچه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیز در حق
در چنین زمانی با وجود مخالفت اهل بدعت در ترویج امور سنت چیست مبالغه
صد شهید فرموده گفت که من تمسک بسنتی عند فساد امتی فله اجر
مائة شهید زیرا که شهید حقیقی چون یکبار در مقاتله کفار بمقابله زخم تیر و
شمشیر جان عزیز خود را بمالک حقیقی می سپارد ثواب یک شهید می یابد
و آنانکه درین زمان غربت دین و اوان شرارت مفسدین تمسک بسنت
آنحضرت صلی الله علیه وسلم میکنند و بارها هدف طعن و ملامت لئیمی دمان ٢١
بدکردار میگردند عوض آن هر یک را ازین غریبان ثواب صد شهید حاصل
رسید ولنعم ما قیل ست زخم شمشیر جان ستان نکند آنچه زخم زبان
کند بمرد و این اصل سنت انبیاست علیهم الصلوات والتسلیمات
چنانچه در حدیث شریف آمده قال علیه الصلوة والسلام اشد الناس بلاء الانبیاء
ثم الامثل فالامثل پس کیفیت [illegible] چون از همراه لی دنیا روزی چند آنکه

با خدا وند لیس اتباع سنت آنحضرت صلی الله علیه وسلم قولاً و فعلاً سبب حصول
رضای خدا است عز و جل و موجب دخول جنت موجب کمال درکات فضل
جمیع تقی من النبیاء اللهم اجعلنا منهم و انکار سنت و نهی همچنین مورد سخط جبار است
و باعث دخول نار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار
مع تمهید اتهم قال النبی صلی الله علیه وسلم کل امتی یدخلون الجنة الا من ابی قیل
ومن ابی قال من اطاعنی دخل الجنة ومن عصانی فقد ابی رواه البخاری و
اطاعت رسول علیه الصلوة والسلام عین اطاعت خدا است قال الله تعالی — جل و علی
من یطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولی فما ارسلناک علیهم حفیظا ربنا آمنا
بما انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین الکونین بعد تمهید مقدمه در
3 تنقیح تحقیق مسائل مذکوره آغاز نموده شد عاسال الله التوفیق فی هذا المقام وبه التعیین
فی کل مرام چه میفرمایند علمای دین و مفتیان شرع متین اندرین مسائل
[illegible] بیوا تو جروا وقت تولد طفل که در هر دو گوش وی
اذان و اقامت میدهند واجب است یا سنت یا مستحب و اگر نامشروع محمود مستحب
اذان و اقامت در هر دو گوش مولود بسنت رسول الله صلی الله علیه وسلم
ثابت است زیرا که در صحیح ترمذی و سنن ابی داود از ابو رافع رضی

الله عنه آمده که گفت شنیدم رسول خدا را صلی الله علیه وسلم که هر که را فرزند
در گوشش حسن بن علی رضی الله عنهما وقتیکه زاد او دا[illegible]
و در مفتاح النجا بتصحیح آورده که هرگاه پیدا شد حسین [illegible] رضی
الله عنهما از بطن والده نبی صلی الله علیه وسلم در گوشش راست وی و اقامت
فرمود در گوش چپ وی و در مسند ابو یعلی از امام حسین رضی الله عنه
می آرد که کسیکه پیدا شود برای وی ولدی پس اذان دهد در گوش
راست وی و اقامت کند در گوش چپ وی ضرر نکند او را مرض ام
الصبیان کذا فی الجامع الصغیر للسیوطی و نام نهادن باسم انبیا و احمد مستحب
است چنانچه در صحیح بخاری و صحیح مسلم وارد شده که فرمود پیغمبر خدا
صلی الله علیه وسلم نام نهید بنام من و در سنن ابی داود آمده که نام نهید
بنام پیغمبران یعنی ابراهیم و موسی و عیسی مثلا و در جامع صغیر سیوطی [illegible]
[illegible] الحسن رضی الله عنها وارد شده من ولد له ثلاثة [illegible]
لم یسم احدهم بمحمد فقد جهل [illegible] الطبرانی فی الکبیر [illegible]
[illegible]
[illegible]

که در گوش پسر یا دختر اذان میدهد شیرینی یا نقد دادن جایز است یا نه
... در اذان دادن گوش مولود نه حدیث صحیح قدر [illegible]
شده که بعد [illegible] ندان مولود اذان و اقامت گویند و اگر کسی
[illegible] بر کسی که اذان دهد چیزی جایز است برای ادای سنت
[illegible] نقد و شیرینی و غیره [illegible] باید نه زیرا که پیش کش [illegible] حضرت
فاطمه رضی الله عنها چیزی از نقد بخدمت آنحضرت صلی الله علیه و سلم و حسب [illegible]
منقول نیست طلبا دادن چیزی درین حال مستحق [illegible]
باشد لیکن [illegible] درین سنت [illegible]
[illegible] و اگر کسی به نیت اجرت اذان بدهد [illegible]
در اذان جایز نخواهد شد چنانچه [illegible] اذان دادن در گوش
مولود از قسم عبادت است و اجرت گرفتن و دادن بر عبادت
[illegible] قاعده حنفیه درست نیست کذا فی الهدایة و شرح الوقایة
[illegible] است اجرت بر عبادت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

c-273

چنانچه وقت ولادت اذان نماز میکردانند و نیز تحنیک سنه بود از خواص سنت

چنانچه در صحیح مسلم وارد شده عن عائشة ان رسول الله صلی الله علیه وسلم

کان یؤتی بالصبیان فیبرّک علیهم ویحنکهم رواه مسلم و معنی تحنیک

خاییدن تمر و مالیدن آن است بحنک مولود و همچنین هر چیز شیرین حکم

حکم تمر است برای تحنیک مولود لیکن تمر افضل است [illegible] بعد تولد

شدن پسر دستور است که حجام باهل قرابت مولود مبارکبادی

میدهد و ایشان بمقابله آن حجام را چیزی از قسم پارچه و نقدی

میدهند این دستور جایز است یا نه [illegible] بهر دادن پارچه

و نقدی در مقابله تهنیت این حجام را جایز است زیرا که دادن

اینچنین وقت بطریق انعام بشارت دهنده را از صحابه آنحضرت

صلی الله علیه وسلم هم ثابت شده چنانچه عطا نمودن ملبوس خاص [illegible]

از کعب بن مالک صحابی در وقت نزول توبه وی وارد شده [illegible]

صحیح البخاری و غیره لیکن دعوی بشر [illegible] بشارت [illegible]

در شرع شریف ثابت نیست بلکه دادن [illegible]

از قسم [illegible] است و الاجر علی [illegible]

[illegible]

[illegible]

ه

[illegible] طرف انبال وهی جنس غله ویا رجه ونقد الاحصال انتماء هند

[illegible] فروختن [illegible] غله غیره از طرف انبال مولود

[illegible] بوالیان وهی اگر به نیت صله رحم باشد جایز است

[illegible] که آنحضرت صلی الله علیه وسلم در وقت [illegible] جنبه خد کبری

حضرت فاطمه رضی الله عنها [illegible] موده کم کردیه و آت ذا القربی حقه

[illegible] تجارت [illegible] عایت [illegible] مرجع [illegible] است

[illegible] و عدم استقراض از قسم خیر است [illegible] دلیل جواز

[illegible] وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون است و اگر به نیت

[illegible] جایز نیست قال علیه الصلوة والسلام من

تشبه بقوم فهو منهم [illegible] عقیقه مولود [illegible] هفتم [illegible] شد

[illegible] جایز است [illegible] مولود را [illegible]

[illegible] کرده [illegible] و اذن [illegible]

[illegible] کنند [illegible] [illegible] است

[illegible]

[illegible] جایز است

5

گفته اند حکما که اگر عقیقه مولود در روز هفتم نشود روز چهاردهم

باید کرد و اگر آن روز هم نشود بروز بیست و یکم از روز تولد کنند و اگر

بسبب تنگدستی و افلاس آن روز هم نشود فرض و واجب نیست که ...

آن بار قرض بر گردن خود گیرد و موی سر طفل را با نقره و زر کش کرده

بمحتاج مردم دادن نیز مستحب است و دادن آن ... و حساب ...

... طلاف ... تصدق است وزن کردن موی سر آن مولود را

بطلا [illegible] پس باید که هر کس به نیت استحباب این ... کند

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الغلام مرتهن بعقیقته تذبح عنه یوم

السابع ویسمی ویحلق رأسه رواه احمد والترمذی وابوداود

والنسائی و در عقیقه مولود اعلی و افضل آنست که برای طفل

نر گوسفند دو باشند یا ماده و اگر برای یک گوسفند ذبح کنند نیز

جایز است ... برای طفل ... یک ... ذبح کنند ...

... باید ... که ... ذبح کنند آن ...

[illegible]

ذبح کنند ص

[illegible] که صدقه نمایند یا بفقرا و مساکین دهند و خود هم

[illegible] خوردن ... تا یک ثلث آن بخشش نمایند

[illegible] العقیقة حکم الاضحیة لیس در خصوص خوردن گوشت

[illegible] ... جایز است و المشهور خلافه

[illegible] الشرع ... نکسر عظامها تفاؤلاً و ان کسرت ...

[illegible] بکسر عظامها کما فی کتب الفقه و دفن کردن اجزاء

عقیقه ... جایز نیست ... اضاعة المال ... 

[illegible] الشرع ... عقیقه را اگر ... بسر دانند ...

[illegible] خود در ... پوست او را بعد ... باعث ...

[illegible] ... تصدق نمایند ... بمکتب اطفال که در عمر چهار سال

[illegible] چهار ... معذور ... جایز است

[illegible] ... از اصول شرع

[illegible] ... قیاس ...

[illegible]

[illegible]

[illegible] او آباء عبد المطلب که یا بنت آنحضرت صلی الله علیه [illegible]

توحید و آیه قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا [illegible]

چنانچه در کتاب حصن حصین و غیره مرقوم است [illegible]

هدایه بسبب مقرر نیست بعضی در دو سال و بعضی در [illegible]

کویا میشوند و قال العلماء اذا انطلق لسانه لقن لا اله الا الله محمد

رسول الله و قل الحمد لله الذی لم [illegible] و اذا بلغ سبع سنین [illegible]

ان یؤخذ بعده امر بالصلوة [illegible] الحدیث [illegible]

بالصلوة اذا بلغوا سبعا الحدیث [illegible]

که بنا بر مکتب اطفال که چهار سال [illegible] مقرر کرده

اند بعضی در توجیه آن میگویند که [illegible] حضرت صلی الله

علیه وسلم اول بار شده بود و سن [illegible]

آنوقت همین قدر رسیده بود و بعد از آن [illegible]

علیه و آله الصلوة والسلام کان له حینئذ ثلث سنین [illegible] و علی

قول مشهور توجیه اول ضعیف کردیده فعلم ان هذا التوقیت لا اصل له

فی الشرع مسئله تقسیم شیرینی و طعام بعد مکتب [illegible]

بجا

[illegible] در شرع شریف وقت فرحت و سرور را بعد حصول
[illegible] داده اند چنانچه طعام ولیمه بعد نکاح و عقیقه بعد تولد و بر [illegible]
[illegible] نعمت محل سرور ساخته اند پس وقت مکتب تقسیم شیرینی و طعام مسنون
[illegible] مگر آنکه این تقسیم درین وقت از قسم مباح باشد بشرطیکه در آن تفاخر
[illegible] و لزوم امر معنوی نباشد الا مکروه خواهد شد
[illegible] سوره بقره شتر را نحر نموده دوستان خود را خورانیده بود
[illegible] المعز مذکور است پس ازین روایت معلوم گردید که فرحت
7 [illegible] بعد حصول نعمت خصوصا نعمتی دینی و خورانیدن طعام و تقسیم شیرینی
[illegible] دوستان جایز است ازینجا است که در دیار شرقیه و غیره بعد ختم
[illegible] شریف تقسیم طعام و شیرینی و غیره نموده فرحت میکنند و آنرا [illegible]
[illegible] و شکون [illegible] میگویند جایز و مباح بلکه مستحب است و ازینجا
[illegible] فرحت نمودن بزرگان فراغ از تکمیل علوم والله علی ما نقول وکیل
[illegible] و در کورشاده دختران تقسیم شیرینی و طعام میکنند
[illegible]

کردن جایز بلکه مستحب است چنانچه شیخ عبد الحق در شرح عربی مشکوة شریف نوشته
همچنین اگر تقسیم شیرینی کنند نیز جایز و مباح خواهد بود و در وقت ختنه کردن
دختران تقسیم طعام و شیرینی در کتابی از نظر نگذشته ظاهرا اگر بجهت رسوم اهل هند
باشد و در کتب فقه مثل در مختار وغیره همچنین قدر مرقوم است که لا بأس
بثقب اذن البنت و در نصاب الاحتساب باین عبارت آمده که لا بأس
بثقب اذن الطفل من النساء و فیه دلیل علی ان ثقب اذن الطفل من
الذکور یکره فیحتسب علی من فعله انتهی وقت ختنه طفل اگر نوشانیدن
دوای مسکر و حنا بستن در دست و پای صغیر اند ذکور جایز است یا نه
نوشانیدن دوای مسکر طفلان نابالغ را ذکور باشند یا اناث حرام است
چنانچه مردان بالغین و زنان بالغات را حرام [illegible] و حنا بستن در دست طفل
صغیر ذکور حرام است لانه فی حکم الرجل البالغ و هو علیه حرام و در دست و
پای طفل صغیره از اناث استعمال حنابندی جایز و مباح است چنانچه زنان
بالغات را جایز و مباح بوده کما فی نصاب الاحتساب و لا ینبغی ان یخضب
الصبی یده و رجله بالحناء و یحرم علی الصبی شرب الخمر و اکل المیتة و الاثم علی
الذی سقاه و اکله و در حدیث شریف آمده که الخمر ما خامر العقل و غیر

کل

حکم حرام وارد شده پس چیزیکه مردان بالغین را حرام است صبی نابالغ
را حرام است و چیزیکه زنان بالغات را جایز شده است صبیه نابالغه
را نیز جایز شده و چیزیکه هر دو را مباح نشده است صبی نابالغ و صبیه نابالغه
را مباح نخواهد شد و استعمال دوای مسکر مردان بالغین و زنان بالغات را
حرام است پس صبی و صبیه را نیز به تبعیت شان حرام شده و همچنین
پوشانیدن زیور و حریر به اطفال صغار که غیر مکلف اند حرام
است یا نه و اگر زنان بی اجازت مردان از نزد خود ها زیور و لباس حریر
کودکان را پوشانند درست است یا نه — پوشانیدن زیور و حریر
بر صبیان را مکروه است کما قال فی الهدایة ویکره ان تلبس الذکور من الصبیان
الذهب والحریر لان التحریم لما ثبت فی حق الذکور و حرم اللبس حرم الالباس
کالخمر لما حرم شربه حرم سقیه و ایضا در هدایه موجود است و لا یجوز للرجال
التحلی بالذهب لما روینا و لا بالفضة لانه فی معناه انتهی و فی نصاب الاحتساب
نقلا عن شرح الطحاوی و فی الکبیر و یکره لبس الحریر للرجال و الصبیان من الذکور
و لبس الذهب الفضة و ایضا فیه و یکره للذکور الصغار التحلی بالخلخال و السوار
و اگر زنان از نزد خود ها بی اجازت مردان ذکور صبیان را از زیور و حریر
پوشانند پس ولی صبیان را باید که آن زیور و حریر را از ایشان انتزاع نماید

موید آنکه بازدارنده منکر فرموده است قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من رأی منکم
منکرا فلیغیره بیده الی آخر الحدیث کذا فی المشکوة و الا هر دو شریک گناه
خواهند شد و مراد از مکروه درین مقام مکروه تحریمی است نه تنزیهی فافهم

دستور است که جهت شوهر ساختن بیوم نکاح نقد و [illegible] پارچه
از خانه عروس بدست حجام و باد فروش بعید تا ریخ و یوم نکاح بخانه نوشه
میرود عوض آن نقد وغیره بحجام و باد فروش از خانه نوشه میدهند جایز است یا نه
جواب اگر چیزی از خانه نوشه بطریق انعام حجام و باد فروش را بدهند
جایز است لیکن حجام و باد فروش را بدست آوردن دستور جبرا گرفتن
آن نمیرسد چراکه دادن انعام وقت سور و از قسم تبرعات است ولا جبر
۱۲
فی التبرعات کما مر فی المسئلة الثالثة من خلاصة کتب الفقه

ساختن طعام ولیمه برای مردمان برادری وغیره قبل از نکاح جایز است
یا بعد از ان و اگر بکدام عذر بعد از نکاح طعام ولیمه کنند تا چند روز درست
است یا نه جواب سنت در طعام ولیمه بعد از عقد نکاح است و پیش از
عقد نکاح خورانیدن طعام مسنون نیست پس در خورانیدن طعام قبل از
عقد ادای سنت نشد قال زین العرب فی حاشیة المشکوة ان الولیمة
یکون بعد الدخول و قیل عند العقد و قیل عندهما انتهی ازین عبارت معلوم

شد

... كه طعامي را گويند كه بعد عقد نكاح يا وقتي ديگر از سرور ترتيب كنند
سنت است طعام بعد آن نيز مستحب است كه بعد عقد نكاح و ليلة الزفاف هر دو كس مي دهند برا
طعام بيند آن هم بطريق ضيافت جائز است بشرط خلو آن از منكرات ليس
في قال الامام محمد الغزالي في كتاب احياء العلوم في بيان منكرات الضيافة ومنها
سماع الاوتار وسماع القينات ومنها اجتماع النساء على السطح للنظر الى الرجال
مهما كان في الرجال شباب يخاف الفتنة بينهم فكل ذلك محظور منكر يجب تغييره ومن
عجز عن تغييره لزمه الخروج ولم يجز له الجلوس فلا رخصة في الجلوس في مشاهدة
المنكرات ... اما اجابت نمودن براي طعام وليمه و خوردن آن طعام جائز
است بلكه سنت است بشرطيكه آن هم خالي از منكرات شرعيه و عاري از بدعات سيئه 9
باشد و اما خوردن آن نيز جائز خواهد شد بلكه اگر از سابق معلوم كرده باشند كه
در آن مجلس اسباب منكرات جمع شده اند از رفتن آنجا اجتناب بايد نمود
منكر آنكه دعوت اغنيا و ترك فقرا و مساكين است قال رسول الله صلى الله
عليه وسلم شر الطعام طعام الوليمة يدعى لها الاغنياء ويترك الفقراء ومن ترك الدعوة
فقد عصى الله ورسوله اين حديث صحيح بخاري و صحيح مسلم بوده است كذا في المشكوة
اين هم اگر قصد كرده و خوردن آن از دست بايد نمود ... و در ذكر ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ان لم [illegible] [illegible]

[illegible] فان كان قادرا على [illegible] وان لم يكن قادرا [illegible]

كان الرجل [illegible] يقتدي الناس [illegible] لم يكن [illegible]

[illegible] ان [illegible] سنة [illegible] كصلوة [illegible]

[illegible] ضرورست كه كراهت آن [illegible] دارد

كما جاء في الحديث فان لم يستطع فبقلبه وذلك اضعف الايمان [illegible]

[illegible] در مكان [illegible]

[illegible] است كه وقت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

امور علی مرغه و منکر انتهی و رسم نیوته دادن در اقارب برای اعانت
از قسم بر و صله مباح است باید که موافق مقدور صرف نمایند در صورت
بی مقدوری بنقل قرض گرفتن برای نیوته بذمه خود نکنند زیرا که در این صورت
مستقرض را ادای آن لازم خواهد شد و گرفتن قرض برای اینچنین
امر مباح محمود نیست والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم
وقت رخصت شدن برات مردمان برادری نوشه را بطریق سلامی
چیزی میدهند و همچنین عروس را وقت رسیدن وی بخانه نوشه چیزی
بطور رونمائی میدهند این رسوم جایز است یا نه — در شریعت محمدی
اصل این چیزها یافته نمیشود مگر ظاهر حال اینقسم چیزها که دادن سلامی
و رونمائی است مباح باشد و لازم گرفتن امر مباح بر ذمه خود ضرور
نیست کما مر آنفا و لازم گرفتن چیزی که لزوم آن از دلایل اربعه یعنی
کتاب و سنت و اجماع و قیاس است ثابت نشود جایز نیست بلکه
احداث فی الدین است پس هر که برغبت دل بدهد مباح است و هر که
از بی مقدوری ندهد بروی ملامت شرعی نیست — رسم است که
مدد شادی پسر یا دختر زنان نهال وی از قسم نقدی و پارچه و زیور همراه
آمده میدهند و گاهی بعض از ایشان خود متکفل شادی میشوند

اینطور در شرع شریف جایز است یا نه جواب اینچنین افعال موافق قواعد
اصول در شریعت جایز است لیکن بشرطیکه دهنده به نیت برو صله بدهد چنانچه حضرت
صلی الله علیه وسلم با حضرت فاطمه رضی الله عنها بطریق معامله میفرمود پس ولهذا
اینقسم چیزها بلا کراهت مباح است بلکه مستحب و اگر کسی در اینچنین وقت
به نیت تفاخر و نام آوری و برای شهرت در مردم بدهد جایز نیست بلکه
مکروه خواهد شد زیرا که تفاخر و نام آوری در صرف اموال مذموم است
قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان الله لا ینظر الی صورکم واموالکم ولکن
ینظر الی قلوبکم واعمالکم رواه مسلم کذا فی المشکوة ١٩ نوشه را بعد از
حاجت غسل دادن و لباس سفید یا رنگین سوای گل معصفر پوشانیدن
و در برات سوار کردن ولی آنکه خانه عروس در محله دیگر یا قریه دیگر باشد
نوشه را با مردمان در برات گشت دادن درست است یا نه جواب اینها
غسل از مسنونات و مستحبات شرعی نیست اگر برای تنظیف و تطهیر کنند
بدرجه اباحت خواهد رسید و هر مباح را که مردم جهال به درجه واجب
سنت فهمیده بعمل آرند پس آن مباح مکروه میگردد چنانچه بیان آن گذشت
ولباس سفید پوشانیدن جایز است و همچنین لباس سبز و سیاه و غیره نه که پوشیدن
هر عضو و شبیه مزعفر نباشد جایز است و لباس زرد که از گل معصفر رنگ
آن لباس مکروه است ولباسی که به رنگ اعفر سوای گل معصفر باشد

محقق فصیحت ترک آن اولی باشد و سوار شدن نوشه برای گشت کردن

همراه مردمان برات برای اظهار شوکت جایز نیست چنانچه مولانا شاه عبد العزیز

قدس الله سره در بعض تحریرات و تالیفات خود در بیان رسومات منهیات نکاح

نوشته ولا یجوز تضییع المال باحراق البارود والکاغذ و رکوب الخیل والطوف

بالبلد من غیر حاجة قال الله تعالی ولا تکونوا کالذین خرجوا من دیارهم بطرا ورئاء

الناس و اظهار المعازف والملاهی و اظهار لعب اللعابین و ستر حیطان البیت

بالثیاب الجمیلة تزیینا و دخول النساء الاجنبیات علی الزوج بعد الفراغ من

العقد و کلامهن معه و مس انفه واذنه و وضع النبات علی جسد الزوجة و امر

الزوج بان یرفعه بلسانه و حفوف النساء حول الزوج والزوجة عند الخلوة کلها

11 من البدعات المحرمة انتهی آری اگر خانه عروس در محله بعید یا در قریه دیگر

باشد سوار شدن نوشه و رفتن مردمان برات بر سبیل ضرورت جایز است

15

وقت پوشانیدن لباس نوشه را جمیع حاضرین مردمان برادری

حجام را حسب مقدور چیزی میدهند درست است یا نه ... و دادن مردمان

برادری وغیره در ینوقت حجام را درست است در صد اباحت دارد لیکن جبر و اکراه

از جانب حجام برای گرفتن آن نمیرسد زیرا که دادن اینها

از قسم تبرع و انعام است و در تبرع و انعام جبر نمیرسد هر که خواهد بدهد و هر که

16

خواهد ندهد بر وی ملامت کسی جایز نمیگردد مسئله روز ساچق مقرر نمودن

و بدان آنچه از میوه و نقل و شیرینی و پارچه جوڑه و خوشبو وغیره که بخانهٔ عروس
ارسال مینمایند جایز است یا نه و نیز رسم جاریست که از جانب عروس مقرر است
که بتعیین روز بعد ساچق بخانهٔ نوشه ارسال میسازند و بر دستهای نوشه هم
می بندند درست است یا نه جواب فرستادن میوه و شیرینی و خوشبو و پارچه
وغیره از طرف نوشه جایز است و آنرا کدام روز معین نیست بلکه فرستادن
اینچنین اشیاء بطریق هدیه و تحفه بلا تعیین روز از فعل آنحضرت صلی الله علیه وسلم
ثابت شده چنانچه در تفسیر معالم التنزیل مرقوم است فانکحها رسول الله صلی الله علیه
وسلم زیدا فدخل بها وساق رسول الله صلی الله علیه وسلم الیها عشرة دنانیر و
ستین درهما و خمارا و درعا و ازارا و ملحفة و خمسین مدا من الطعام و ثلثین
صاعا من تمر انتهی و این زید پسر خواندهٔ آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که چون نکاح
وی با زینب بنت جحش که دختر عمهٔ آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود اشیای مذکوره
از جانب آنحضرت صلی الله علیه وسلم که متکفل نکاح زید بود مرسل گردیده و در وقت
ارسال این چیزها تجمل و آرایش بمیان نیامده پس ارسال نمودن هدیه از جانب نوشه
ثابت شد و ساختن آرایش وغیره در ساچق که مروج اند یا رسته به ثبوت
نرسیده پس مسلمان دیندار را لازم است که آنچه اصل آن از شرع شریف ثبوت
رسد بعمل آرد و آنچه اصلش در شریعت محمدیه نباشد و برای تفاخر و نام آوری
پابند رسم گردیده اسراف نماید جایز نیست چه در آرایش اسراف صریح است

دکانه

و کمال بی ادبی نسبت کاغذ که بر آن نام خدا تعالی مینویسند چنانچه صاحب مرآة الصفا
فی سنة المصطفی می آرد که در کار خیر نهال ها از کاغذ ها پاره ست میکنند بدانکه کاغذها
قرطاس نیست و بر قرطاس نام خدا تعالی مینویسند پس سازندگان و راضی شوندگان
گرفتار بعذاب میشوند انتهی و رسم حنابندی مرد بالغ را بلکه طفل صغیر را جایز نیست
شادی باشد یا غیر شادی قلیل باشد یا کثیر چنانکه در مسئله هم گذشت و در کتاب
اشباه و نظایر باین عبارت مرقوم است که ما حرم علی البالغ فعله حرم علیه فعله لولده
الصغیر فلا یجوز ان یسقیه خمرا و لا ان یلبسه حریرا و لا ان یخضب یده بحناء ولو
انتهی و فی نصاب الاحتساب و لا ینبغی خضاب الید و الرجل للذکور صغیرا کان او کبیرا
12 و لا باس به للنساء و ازین عبارات معلوم شد که استعمال حنا برای مردان حرام است
مانند استعمال حریر و ذهب و فضه اگرچه طفلان صغیر باشند و برای زنان جایز و مباح بلکه سنت است
اگرچه صغیره باشند پس رسم حنابندی که از طرف عروس برای استعمال نوشه مقرر است
باطل و حرام است و برای زنان جانبین درست و مباح و اصرار بر فعل حرام
گناه کبیره است و اصرار بر گناه کبیره کفر معاذ الله من ذلک 19 سهره و هار گل که بر سر نوشه
و عروس می بندند درست است یا نه و نیز بستن کنگنه در دست طالب و مطلوب
جایز است یا نه جواب سهره که از تار نقره و طلا باشد مرد را از اصل جایز
نیست زیرا که استعمال طلا مرد را مطلقا حرام

لااخیر در استعمال نقره کمتر از وزن مثقال برای انگشتری مرد لهذا حدیث
چنانچه در حدیث شریف وارد شده که شخصی پرسید بیار ساختن انگشتری
که یا رسول الله من ای شیٔ اتخذه قال من ورق ولا تتمه مثقالا و سوای انگشتری
استعمال نقره هم مردانرا درست نیست کذا فی کتب الفقه و زنانرا استعمال
هر دو جایز است مگر در سرمه که استعمال آن در سرمه زنانرا هم مکروه است
بجهت مشابهت کفار و مشابهت کفار حرام است قال النبی صلی الله علیه وسلم
من تشبه بقوم فهو منهم اما سهره که از گل تیار میکنند آن هم بسبب مشابهت کفار
جایز نیست بلکه تار گل که بر سر نوشه و عروسش می بندند بدعت است و مشابهت
ملکان و از مشابهت کافران و گبران احتراز لازم است چنانچه در کتاب
مرآة الصفا که مملو از فتاوی است می نویسد گل بر سر طالب بستن و دستار
بر سر داشتن بدعت است و بعضی گفته که این رسم گبران است انتهی
و کنگنه بستن در دست طالب و مخطوبه نیز از رسوم کفار است چنانچه در همین
کتاب در فصل نکاح ما قلنا عن فتاوی المومنین مذکور است که قومی مدار ...
است که قدری سرشف و سپند در جامه کبود می اندازند و آنرا کنگنه خوانند
اینچنین افعال مشتمل بر عقاید معصیت است بسیار زشت بخصوص آنکه ازین نسبت
تشبه به هنود که کفر است یا گناه کبیره و ایضا فیه هذا الفعل المذکور ...

در صفت نکاح مجوس و زنان ۲۳

وایضا

~~...بود کفر است بالکلیه کبیره~~ و ایضاً فیه فی الفصل المذکور و هم رشته لعل
بستن بر دست فاطمه تمام رسم کبران است هم آن است که کافر باشد و در
منافع المؤمنین می آرد که قومی را رسمی است که سبوهای نو را گل بندند و صندل
مالند این مشابهت بکبران است و نیز درین کتاب است که قومی را رسمی است
که قدری سر شف و سپند در لته می بندند او را کنگنه میگویند و آنرا در دست
طالب بندند و این صریح است که سازنده و راضی شونده کافر شوند و سید آدم
بنوری در مکتوبات خود از کتاب علم الهدی نقل کرده است که در نکاح چندین چیز
کفر است و چند چیز هم کفر و بعضی بدعت پس هر که این رسوم بجا آرد علاقه
زوجیت از میان هر طرف نشود و آن نکاح از اهل اسلام نباشد و فرزند
13 آن نکاح که متولد شود نسب آن فرزند ثابت نشود و اگر ثابت نشود دیگر افراد یکی
منسوب گردد یکی بستن کنگنه و این کفر صریح است که سازنده و راضی شونده
این عمل کافر میگردد دیگر آنکه جلوه می دهند که مشتمل بر انواع فضیحتها و رسوائیها
است دیگر آنکه بر سر زنه طلب باد و خواهر یا زنان دیگر و زمین می اندازند و بر سر
[illegible] می نهند بدانکه ازین فعل هر دو ملعون میشوند زیرا که رسول خدا
صلی الله علیه و سلم فرموده لعنت خدا بر مردیکه خود را مانند زنان کند و لعنت
خدا بر زنیکه خود را مانند مردان کند دیگر آنکه انگشت زن مخطوبه بشیر و آب
[illegible] می نوشانند این نیز از رسوم کبران است و هم کفر دیگر آنکه
[illegible] می نهند و مرد آنرا به دهن خود میگیرد درین افعال

فاسق میشوند و این نیز از رسوم کبران است و مشابهت مجهار یا یانست دیگر
انکه در وقت جلوه ریسمان سرخ می آرند و در کلوی فاطب می اندازند و مشاهده
بر تخت علطا نیده هر یک از اعضای فاطب بلکه اندام نهانی او جای جایه
و زنان نظاره میکنند و میخندند درین افعال بجمله ملعون میشوند دیگر انکه دشنامهای
مسجع میدهند تا انکه اهانت مسجد و محراب در حمله دستار میرسانند و اهانت
این چیزها کفر است دیگر انکه فاطب بر گرد مخطوبه هفت بار میگردد و این
از رسوم کفار است و هم کفر دیگر انکه فرج زن را بشربت میشویند و زن نیز در ان
بول میکند و مرد را می نوشانند درین نیز هم کفر است دیگر انکه بسرمه سیاه
مرد را زینت میدهند این هم باتفاق مکروه است و اگر گویند که این راهی و
مذهبی است کافر شوند دیگر فاطب را طوق نقره و بعضی از پیرایه زنان می
پوشانند این نیز بدعت سیئه است انتهی عبارة السید و رسم آرسی و
مصحف که مروج اینجا است در شریعت محمدیه اصلی از ان در کتابی دیده
نشد این هم بدعت است که ترک آن انسب و الیق [illegible] در سواری برات نقاره
نواختن برای اعلان نکاح جایز است اما [illegible] نواختن نقاره برای آمدن
نکاح حرام است چنانکه از عبارت هدایه مستفاد میگردد و دلت المسئلة علی ان
الملاهی کلها حرام الی آخر ما قال و در فتاوی کبری آورده که زدن طبل و [illegible]
ان حرام است زیرا که اینهمه ملاهی است مگر طبل در حرب [illegible]
است [illegible] نقاره [illegible] کنده [illegible]

مثل عبادت است نه معصیت انتهی و دهل و تماشه و غیره در حکم مثل است
چراکه اینها نیز آلات ملاهی است و فی الحمادیة و یحرم استعمال الآلات التی
تطرب من غیر غناء کالعود والطنبور والمعزفة والطبل والمزمار و عن مجاهد
رضی الله عنه انه قال سمع عبد الله بن عمر رضی الله عنهما صوت طبل فادخل
اصبعیه فی اذنیه و قال هکذا رأیت النبی صلی الله علیه وسلم یصنع و عن مکحول
عن رسول الله صلی الله علیه وسلم انه قال استماع الملاهی معصیة والجلوس
علیها فسق والتلذذ بها من الکفر و ایضا فیه من الترصیع شرح المنظومة
و الانکحة التی تنعقد فی مجالس الملاهی والمزامیر تکون مختلفا فیها بوجهین
احدهما بفسق الولی لانه هو الذی احضر الملاهی والمعازف وامرهم بذلک
16 واعطی المغنیین علی ذلک الاجرة والثانی ان الحاضرین صاروا فسقة
باستماعهم ذلک فلم یبق الولی ولیا ولا الحاضرین شهودا عنده و فی خزانة
الروایة من الظهیریة واعلم ان جنس هذه ثلثة انواع منها ما یکون خطاء ولکن ۲ المسایل
لا یوجب الکفر فیؤمر قائله بالانابة والاستغفار ومنها فیه [illegible]
باستجداد النکاح احتیاطا و بالتوبة والانابة ومنها ما یکفر بالاتفاق وانه یوجب
[illegible] اعماله ویلزم اعادة الحج ان حج ویکون وطیه مع امرأته زنا والولد
[illegible] هذه الحالة ولد الزنا فانه وان اتی بکلمة الشهادة بعد ذلک بحکم العادة
و لم یرجع عما قال او فعل لم یرتفع الکفر وهو المختار انتهی اما بیان اباحت غو

[illegible] در جواب سوال بیست و ششم و چیزیکه در زمانه آنحضرت
صلی الله علیه وسلم معمول بود بیاید ان شاء الله تعالی ۱۲ در عروسی وغیره سر کردن
آتش بازی بقلیل باشد یا کثیر جایز است یا نه سر کردن آتش بازی اسراف
است در شادی باشد یا غیر آن و اسراف در شرع شریف ممنوع است قال
الله تعالی ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین وکان الشیطان لربه کفورا
چنانچه از عبارت مولانا حضرت شاه عبد العزیز رحمة الله علیه در جواب سوال
شانزدهم مستفاد گردیده و قلیل و کثیر درین حکم برابر است پس مسلمان دیندار
را لازم و واجب است که آنچه خلاف خوشنودی مولی باشد آنرا ترک نماید
اگرچه مخالف طبایع ابنای روزگار باشد زیرا که بروز قیامت از اعمال نیک
بهره مند خواهد شد و در گرفتاری اعمال بد بجز حسرت و ندامت و اندوه
و ملامت ثمره نخواهد دید و ندای نفسی نفسی از هر که و مه خواهد شنید فافهم
ولا تغفل [illegible] وقت رسیدن نوشه بخانه عروس لباس حنایی که از خانه
میاید پوشیده آنرا تا به رسیدن خانه خود پوشیده می آید درست است یا نه
پوشیدن این لباس مباح است بشرطیکه از قسم حریر و رنگ معصفر و رنگ زعفرانی
نباشد و باید [illegible] که مرد را پوشیدن آن حرام است [illegible]
[illegible] باشد قال رسول الله صلی الله علیه وسلم [illegible]
[illegible]

و سلم ۲

[illegible]

است قال رسول الله صلى الله عليه وسلم احل الذهب والحرير للاناث من امتي
وحرم على ذكورها و منع از پوشیدن رنگ معصفر ازین حدیث معلوم میشود
قال عبد الله بن عمرو بن العاص رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم ثوبين علي ٥
معصفرين فقال ان هذه من ثياب الكفار فلا تلبسها وفي رواية قلت
اغسلهما قال بل احرقهما و در حدیث صحیح از رنگ زعفر نیز نهی آمده عن
انس قال نهى النبي صلى الله عليه وسلم ان يتزعفر الرجل الفصل في المشكوة
و در فتاوی حمادیه از زاهدیه نقل کرده ویکره للرجال ان يلبسوا الثوب المصبوغ
بالعصفر والزعفران والورس انتهى و پوشیدن لباس نقرئی مردرا مثل حکم
پوشیدن لباس طلائی است زان الفضة في حكم الذهب كما يفهم من عبارة
الهداية التي مرت سابقا والله اعلم وعلمه احكم بعد نكاح به قاضي و وكيل
١٥ ميانجيان كه از طرف عروس مى آيند بخوشی خود بدون مطالبه شان چیزی
دادن جائز است اما دادن ایشان بدون مطالبه وجبر از طرف
ایشان مباح است و اگر جبر کنند خواه مخواه بکنند و اصرار ها
مباح نیست چنانچه در کتاب خزانة الروایه مرقوم است وما سنه القضاة
في بلاد الاسلام ظلم صريح وهو ان يأخذوا من الانكحة شيئا ثم يجيزون الولاة
التقليد النكحة بالمناكحة فانهم مالم يعطوا الشيء من اوليائها لم يجيزوا ذلك فانه
حرام [illegible] المناكح انتهى و اولى در باب نكاح آنست كه توكيل مطلوبه الكشف

کیفیت عقد نکاح عاقدین در خود دارد و الفاظ ایجاب و قبول را موافق
کتب فقه از عاقدین ادا کنند تا نکاح شان باتفاق علمای اربعه مجتهدین
صحیح گردد و توکیل قاضی غیر وکیل مذکور باشد در روبروی آن وکیل ایجاب و قبول
کنانند نزد علمای حنفیه جایز است چنانکه در فتاوی حمادیه از خانیه مینویسد
الوکیل بالتزویج لیس له ان یوکل غیره فان فعل فزوّج الثانی بحضرة الاول
جاز انتهی و سنت در ینباب آنست که ولی مخطوبه خود خطبهٔ نکاح که مسنون است
بخواند و از عاقدین ایجاب و قبول کنانند زیرا که آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقت
نکاح حضرت فاطمه با حضرت علی رضی الله عنهما اجمعین بعمل آورده بود چنانچه
در مواهب لدنیه مرقوم است عن انس قال جاء ابو بکر ثم عمر یخطبان فاطمة
الی النبی صلی الله علیه وسلم فسکت ولم یرجع الیهما شیئا فانطلقا الی علی یامرانه
بطلب ذلک قال علیٌّ فنبّهانی لامر فقمتُ اجرّ ردائی حتی اتیت النبی صلی
الله علیه وسلم فقلتُ تزوجنی فاطمةَ قال وعندک شیء قلتُ فرسی وبدنی
قال اما فرسک فلا بد لک منها واما بدنک فبعها فبعتُها باربعمائة وثمانین
درهما فجئته بها فوضعتها فی حجره فقبض منها قبضة فقال ایْ بلال ابتع لنا
بها طیبا وامرهم ان یجهزوها فجعل لها سریر مشرّط ووسادة من ادم حشوها
لیف وقال لعلیٍّ اذا اتتک فلا تحدث شیئا حتی آتیک فجاءت مع ام ایمن
حتی قعدت فی جانب البیت وانا فی جانب وجاء رسول الله صلی الله علیه وسلم

قال

فقال هذا اخي قالت ام ايمن اخوك وقد زوجته ابنتك قال نعم ثم دخل صلى الله
عليه وسلم فقال لفاطمة ائتيني بماء فقامت الى قعب في البيت فاتت
فيه بماء فاخذه ومج فيه ثم قال لها تقدمي فتقدمت فنضح بين ثدييها وعلى
راسها وقال اللهم اني اعيذها بك وذريتها من الشيطان الرجيم ثم قال
لها ادبري فادبرت فصب بين كتفيها ثم فعل مثل ذلك بعلي ثم قال له
ادخل باهلك بسم الله والبركة اخرجه ابو حاتم واحمد في المناقب بنحوه وفي حديث
انس عند ابي الخير القزويني الحاكمي خطبها علي بعد ان خطبها ابو بكر ثم عمر فقال
عليه السلام قد امرني ربي بذلك قال انس ثم دعاني عليه السلام بعد ايام فقال
لي يا انس ادع لي ابا بكر وعمر وعثمان وعبد الرحمن وعدة من الانصار فلما اجتمعوا
16 وجلسوا مجالسهم وكان علي غائبا فقال صلى الله عليه وسلم الحمد لله المحمود بنعمته المعبود
بقدرته المطاع بسلطانه المرهوب من عذابه وسطوته النافذ امره في سمائه وارضه
الذي خلق الخلق بقدرته وميزهم باحكامه واعزهم بدينه واكرمهم بنبيه محمد صلى الله
عليه وسلم ان الله تبارك اسمه وتعالت عظمته جعل المصاهرة سببا لاحقا وامرا
والزم مفترضا اوشج به الارحام والزم الانام فقال عز من قائل وهو الذي خلق من
الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان ربك قديرا فامر الله تعالى يجري الى قضائه
وقضاؤه يجري الى قدره ولكل قضاء قدر ولكل قدر اجل ولكل اجل كتاب
يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب ثم ان الله عز وجل امرني ان

... فاشهدوا اني قد زوجت علي بن ابي طالب فاشهدوا اني قد زوجته على اربعمائة مثقال
فضة ان رضي بذلك علي ثم دعا صلى الله عليه وسلم بطبق من بسر ثم قال انتهبوا
فانتهبنا ودخل علي على [illegible] صلى الله عليه وسلم فتبسم في وجهه ثم قال يا علي ان الله عز وجل
امرني ان ازوجك فاطمة على اربعمائة مثقال فضة ان رضيت فقال قد رضيت بذلك يا رسول
الله فقال عليه السلام جمع الله شملكما واعز جدكما وبارك عليكما واخرج منكما
كثيرا طيبا قال انس فوالله لقد اخرج الله منهما الكثير الطيب انتهى ... 
دوم خطبه دیگر هست که خواندن آن هم سنت ثابت شده و بعض در جواب
سؤال آینده عنقریب بیان است ان شاء الله تعالی سیوم وقت ایجاب و قبول
معمول است که قضاة اینجا اول از ایجاب و قبول کلمه طیبه و آمنت بالله
و دعای قنوت و غیره میخوانند این طریقه مسنون نیست بلکه در ایجاب و قبول
گفتن یکبار کفایت میکند تکرار سه بار ضرور نیست و قبل از ایجاب و قبول
نکاح را خواندن خطبه سنت است نه بعد از آن و تکرار خطبه خواندن
مسنون نیست ... مسنون در نکاح همین است که اول خطبه ...
خطبه ها که مذکور میکرد بخوانند بعد از آن ایجاب و قبول در میان عاقدین
واقع گردد و گفتن ایجاب و قبول یکبار کافی است ...
چنانکه در عقد بیع و شرا و هبه و غیره یکبار کفایت میکند و خواندن کلمه
طیبه و آمنت بالله و غیره عاقدین را وقت نکاح از صحابه و سلف ثابت
نیست

تحقیق دیگر چون در عقیده عاقدین خللی بمیان آمده باشد و آنرا معلوم کنند
فوقت بطریق تجدید اسلام خوانانیدن کلمه و غیره بر ضرور است و التزام طیب ۲
این تلقین ها و صفت سیتی عقیده خالی از جهل نیست علما تتبع کتب احادیث
وکتب سیر چنان معلوم گردیده که خطبه نکاح که معمول [illegible] صلحای سلف بود
نه خطبه سنت یکی آنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم آنرا وقت تزویج فاطمه
رضی الله عنها خوانده بود چنانچه در جواب سؤال سابق مرقوم گردیده
دوم آنکه نجاشی بادشاه حبشه وقت عقد نکاح حضرت ام حبیبه رضی الله عنها
با آنحضرت صلی الله علیه وسلم در حبشه خوانده بود چنانچه صاحب مواهب لدنیه
آنرا با قصه نکاح نوشته که خلاصه آن در اینجا مرقوم میگردد که چون عبید الله
بن جحش زوج اول ام حبیبه رضی الله عنها بحبشه هجرت نمود و همراه خود وی را هم
17 بطریق هجرت در ربود و بعد رسیدن حبشه از تقدیر الهی نصرانی گشته مرد
چون این خبر را کسی از یاران با آنحضرت صلی الله علیه وسلم برد و گفت که ام حبیبه
رضی الله عنها بر اسلام خود ثابت و مستقر است آنحضرت صلی الله علیه وسلم
عمرو بن امیه ضمری را بسوی نجاشی برای پیام نکاح خود با ام حبیبه رضی الله
عنها فرستاد نجاشی همان وقت ابرهه نام کنیز خود را نزد وی فرستاده
گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم بمن نوشته که تزویج کنم ترا با آنحضرت صلی
وقت برحجت یعنی ۵ الله علیه وسلم پس ام حبیبه رضی الله عنها ازین بشارت خوشنود گردید و [illegible]
[illegible] خود را بطریق انعام بابرهه بخشید و در همین مقدمه خالد بن
سعید را از طرف خود وکیل ساخت نجاشی وقت شام جعفر بن ابیطالب [illegible]

... كه اين خطبه خواند الحمد لله الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
العزيز الجبار ... اشهد ان لا اله الا الله وان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدى
ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون بعد از خواندن اين خطبه
نكاح نجاشى گفت اما بعد پس اجابت كردم آنچيزرا كه رسول خدا صلى الله
عليه وسلم آنرا طلب نموده فرستاد و چهار صد دينار مهر پيش قوم انداخت گفت
كه اينقدر مهر مقرر ساختم بعد ازان خالد بن سعيد وكيل طرف زن گفت
الحمد لله احمده واستعينه واستغفره واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و
ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره
المشركون اما بعد پس اجابت نمودم آنرا كه رسول خدا صلى الله عليه وسلم آن
دعوت فرستاد و تزويج كردم ام حبيبه بنت ابي سفيان را بار رسول خدا صلى
الله عليه وسلم فبارك الله لرسول الله صلى الله عليه وسلم پس نجاشى آن دينار را
بخالد بن سعيد داد و خالد آنها را بقبضه خويش نهاد پس مردمان چون خواستند
كه برخاسته بروند نجاشى ازايشان گفت بنشينيد كه سنت انبيا عليهم السلام
اينست كه بعد نكاح چيزى از قسم طعام تناول نمايند پس طعام طلبيد و ايشانرا
خورانيد بعد ازان متفرق شدند پس نجاشى ام حبيبه رضي الله عنها را ... همراه
... كرده بنزد آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرستاد ذالك في المواهب اللدنية
و خطبه سوم آنكه در مشكوة شريف بروايت عبد الله بن مسعود رضي الله عنه
... آن مشهور و معمول به علماى زمانه است ...
... بعد ازان ايجاب و قبول ميكنانند مرقوم ميگردد والحمد لله نحمده ونستعينه
ونستغفره

ونستغفره ونعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سيئات اعمالنا من يهده الله فلا مضل
له ومن يضلل فلا هادي له واشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
ورسوله يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون
يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة وخلق منها زوجها
وبث منهما رجالا كثيرا ونساء واتقوا الله تساءلون به والارحام ان الله الذي صح
كان عليكم رقيبا يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا يصلح لكم
اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم ومن يطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظيما بعده [illegible]
یا کسیکه مباشر نکاح باشد از خاطب بگوید اما بعد پس مسماة فلانی بنت
فلان را بمقابله مهر کذا در عقد نکاح تو دادم خاطب در جواب آن بگوید
قبول کردم پس ایجاب وقبول واقع گردید پس گفتن قاضی را یا کسیکه خطبه
نکاح میخوانند واینکلمات عقد را پیش خاطب یا نزد ولی خاطب بگوید ایجاب
گویند وآنکه در جواب آن گفته شود از طرف خاطب یا از طرف ولی خاطب
آنرا قبول نامند ودر صورت عکس یعنی اگر ابتدا از طرف خاطب یا از طرف
ولی خاطب کلامی متضمن طلب تزویج با مخطوبه یا بولی مخطوبه صادر شود آنرا 14
هم ایجاب خوانند وآنچه در جواب آن از طرف مخطوبه یا ولی مخطوبه گفته
شود آنرا قبول گویند حاصل کلام آنکه قول اول را ایجاب وقول ثانی را

[illegible] مسئله اگر شخصی از جانب شما طلب یا از طرف مخطوبه بر دیگری [illegible]
[illegible] به رسومات مروجه ابتدا یا ر چاره نیست موافق شرع [illegible]
محفل شادی بیرون از این امور مثل محفل [illegible] میشود و شما یان تابع رسوم
اهل زمانه هم شادی نماشید یا هم شما را اختیار است که در خانه خود ها هرچه
خواهید بکنید و ما یان در خانه خود ها هرچه خواهیم بکنیم عیب بدین خود موسی بدین
خود ما یان حکومت شما نمیرسد در یصورت بر قایلین اینکلمات از روی
حکم شریعت چیزی میرسد یا نه و مرد مان طرف ثانی که پابند حکم خدا و رسول اند
شریک مجلس ایشان شوند یا نه [illegible] کسیکه اینکلمات بیهوده را بر زبان
آرد از روی حکم شرع شریف [illegible] گفتن اینچنین کلمات نهایت مذموم
و قبیح خواهد شد چراکه حکم خدا و رسول را در مقابله رسومات مروجه سهل ۹۱
و سبک انگاشته و رسوم مروجه را که اکثر آنها مشتمل بر گناهان و بدعت
ضلالت است محکم و مضبوط گرفته گویا کار دنیا را بر امور آخرت ترجیح
داده پس اگر وی تا آخر عمر همین پیچ بسر کند خوف زوال ایمان است نعوذ
الله من ذلک کما ذکر فی الذخیرة و اذا قال الرجل لغیره حکم الشرع فی هذه الحادثة
کذا فقال ذلک الغیر من بر رسم کار میکنم لا بالشرع فی کفر عند بعض المشایخ انتهی
پس لازم است که زود توبه کنند و از رسومات خلاف شرع باز آیند اگر

قیم

نموده شود و بر آن اصرار نموده لیکن اصرار بر گناه کبیره منجر بکفر میگردد و چنانچه
فتاوی عمادیه اند و رساله امام شهاب الملة والدین من نوادر الکتب
نقل میکنند حکی عن ابی نصر الدبوسی عن القاضی ظهیر الدین الخوارزمی
رحمة الله علیه من سمع الغنا من المغنی او من غیر المغنی او یری فعلا من
الحرام فیحسن ذلک باعتقاد او غیر اعتقاد یصیر مرتدا فی الحال بناء علی انه
ابطل حکم الشریعة ومن ابطل حکم الشریعة لا یکون مؤمنا عند کل مجتهد
ولا یقبل الله تعالی طاعته و احبط الله تعالی کل حسناته و بانت منه امراته
فان تاب لا یجب القتل والا تضرب عنقه لقوله علیه السلام من بدل دینه
فاقتلوه فان قتله قبل عرض الاسلام کره ذلک ولا شیء علیه انتهی وایضا
فیه فان تصحیح التصدیق والاقرار بالتوحید لا یکون مع انکار شیء من
الشرایع فقال محمد رحمه الله فی السیر الکبیر من انکر شیئا من الشرایع فقد
ابطل قوله لا اله الا الله حکی ان موسی علیه السلام لما رجع غضبان اسفا
قد سمع الصیاح وکانوا یرقصون حول العجل ویضربون الدفوف والمزامیر
فقال هذا صورة الفتنة انتهی پس هر آینکه امور نامشروعه مثل رقص و آلات
لهو انواع معازف و مزامیر که نقاره و دهل و تاشه و مرفه و چنگ و رباب
و آتش بازی و آرایش وغیره موجود باشند خواه در مجلس عقد نکاح و خواه

19

همچنین محفلی که مشتمل بر منهیات باشد کدام شادی باشند رفتن و شریک شدن در آن محفل از
روی علم شریعت جایز نیست بلکه حرام است چنانچه در کتب فقه و حدیث معتبره
مذکور است قال الشیخ عبد القادر الجیلانی یعنی در کتاب غنیة الطالبین فاذا
کان فیه شیء من المنکر فان حضر منکر کالطبل والمزمار والعود والنای والرباب
والمعازف والطنابیر والسنین(?) والشبابة والجوزان(?) الذی یلعب به الترک
لا یجلس فیه لان جمیع ذلک محرم انتهی و بر هر مسلمان را واجب است که از
امور منهیات و معصیت و از خاطرداری اهل بدعت اگرچه اقربا
باشند مثل مادر و پدر و خواهر و برادر و دختر و پسر و زوجه وغیره اجتناب
نماید قال علیه الصلوة والسلام لما وقعت بنو اسرائیل فی المعاصی نهتهم علماؤهم
فلم ینتهوا فجالسوهم فی مجالسهم و آکلوهم و شاربوهم فضرب الله قلوب
بعضهم ببعض فلعنهم علی لسان داود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون رواه
کذا فی المشکوة و قال الله تعالی فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین و هر
جا که منکرات شرعی باشند حق دعوت لازم نمیشود چنانچه بیان آن در ولیمه
گذشت مسئله برد[ن] و مهدی(?) ... ذو منی(?) ها و دف زدن در محفل زنان و غیره
و پارچه دادن به آنها جایز است یا نه جواب ... هر گاه مجرد از آلات
لهو باشد اختلاف علما است بعضی آن را مباح مطلق گفته و بعضی مکروه مطلق
نوشته اما در بحر الرائق گفته که اصل مذهب حرمت است مطلقا لما قاله

في الدر المختار حيث قال ومنهم من اباح مطلقا ومنهم من كره مطلقا
انتهى وفي حديث جمعة مطلقا لا يقطع الا اختلاف بل ظاهر الهداية
دف انتهى عبارة الدرر وفي العمادية عن النبي صلى الله عليه وسلم ما من رجل
يرفع صوته بالغناء الا بعث الله تعالى عليه شيطانين احدهما على هذا المنكب
والآخر على هذا المنكب فلا يزالان يضربانه بارجلهما حتى يكون هو الذي
يسكت انتهى وزدن دف بي تغني براي اعلان نكاح مباح است
كما قال في الهداية اما طبل الغزاة والدف الذي يباح ضربه في العرس
فليس بآلة لهو بلا خلاف پس از عبارت هدايه و در مختار معلوم
كه غنا در اصل مذهب حرام است وزدن دف بي تغني مباح است از
اعلان نكاح كما في تنبيه الانام عن السراجي مضايقة نيست لبشنوي
زدن دف بجهة اعلان نكاح وقتيكه دف جلاجل دار نباشد ودر 20
نواحي آن نيست لعب وسرود نباشد زيراكه مكروه است لعب وغنا ونيز
در آنست كه شنيدن ملاهي ونشستن بر آن فسق است اما زدن دف
بجهة اعلام تزويج چنان بايد زد چنانكه طبل براي نوازند انتهى وفي
العمادية قال المعلى قال ابو المهاجر اخبرنا ابان عن ابن عباس عن المغيرة
بن شعبة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى كره لكم الغمر

[illegible] والمعازف والكوبة والدف [illegible] دون
البيت على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال [illegible] كانت المرأة في الكنائس
الا كنا هذه بالغربال دعوده فتصعد وتضرب بالعود على الغربال فتسمع
الملائكة انه ملاك انتهى اما سرود نمودن ڈومنی با دف اگرچه در محفل
نکاح باشد جائز نیست زیرا که درین صورت جمع کردن است در میان
مباح و حرام و جائیکه مباح و حرام جمع شود حرام را ترجیح دهند کما قال في الاشباه
اذا اجتمع الحلال والحرام غلب الحرام وبمعناه ما اجتمع محرم ومبيح الا غلب
المحرم انتهى پس دادن نقد و پارچه به آنها اجرت سرود شد و دادن
اجرت بر غنا حرام است چنانچه عبارت هدایه که در کتاب الاجاره واقع شده
بر حقیقی دلالت دارد ولا يجوز الاستيجار على الغناء والنوح وكذا سائر
الملاهي لانه استيجار على المعصية والمعصية لا تستحق بالعقد انتهى چون ضرب
دف بی تغنی برای اعلان نکاح مباح است پس نقارا دادن و گرفتن چیزی
بر آن هم مباح خواهد شد حاصل جواب آنست که ڈوم و ڈومنی یعنی مغنی
و مغنیه اگر ضرب دف را با تغنی جمع کنند ایشان را گرفتن برای جائز نیست اجرت ۵
پس دهنده را هم چیزی نقد و پارچه دادن بر آن جائز نخواهد شد مسئله
وقت رخصت شدن برات حسب معتاد برای دادن کمینان یعنی اهل
خدمت از قوم اراذل چیزی نقد از قسم دراهم و دنانیر و [illegible]

داده

داده نمیتواند پس می آید حدیث است باید ... صرف کردن مال در شیء علیم
چیز الکه نیست از مال وسلوک باشد جایز است و اگر برای
ریا و سمعه صرف کنند جایز نیست اگر مردمان در صرف نمودن مال به
چیزها پابند رسم میباشند جایز است برای نام صرف میکنند قال النبی صلی الله
علیه وسلم من سمّع سمّع الله به ومن یرائی یرائی الله به کذا فی المشکوة ۲۸
وقت رخصت شدن برات فقراء و مساکین از مسلمانان و قوم هنود
هم میشوند ایشان را چیزی دادن و تقسیم نمودن جایز است یا نه
لکن بوقت بطریق شکر یا تصدق بفقراء و مساکین برده کرده چیزی دهند
جایز است [illegible] مستحب ... در حدیث شریف آمده من سأل بالله فأعطوه
کذا فی المشکوة و اگر برای نام آوری بدهند جایز نیست زیرا که درین امور
اعتبار نیت است قال النبی صلی الله علیه وسلم انما الاعمال بالنیات متفق
علیه تصدق کردن برای فقراء و مساکین هیچگاه ممنوع نیست چنانچه
در مشکوة شریف آمده عن بهیسة عن ابیها قالت قال یا رسول الله ما
الشیء الذی لا یحل منعه قال الماء قال یا نبی الله ما الشیء الذی لا یحل منعه
قال الملح قال یا نبی الله ما الشیء الذی لا یحل منعه قال ان تفعل الخیر خیر لک
رواه ابوداؤد و نیز در حدیث قدسی وارد شده قال رسول الله صلی الله
۲۹
علیه وسلم قال الله تعالی انفق یا ابن آدم انفق علیک چیزی نقد علی

21

[illegible] تقسیم طعامان همراه جنازه بردن بعد میت درست نباشد
تقسیم کردن نقد وغله وغیره بعد میت اهل ترکه آن طعامها به میت
ثواب جائز است بشرطیکه وارثان کبار راضی شوند واگر ورثه آن میت صغار
اند بدون تقسیم ترکه تصدق مطلقا نیست و بردن این چیزها همراه جنازه رسم
جاهلیت است از شرع شریف ثابت نیست و چیزیکه نظیرش در اصل شریعت
یافته نمیشود کردن آن چیز مکروه است یا حرام اما دادن تصدق بفقرا و مساکین برای
ثواب میت بی آنکه همراه جنازه ببرند جائز است زیراکه برای ثواب میت هر
آن چیزیکه طعامها میدهند مستحب آنست که بعد دفن در یک جا بی تعیین وقت
باشد والا بدعت میگردد [illegible] خالی از کراهت
نخواهد شد والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم ثواب عبادت
بدنی ومالی برای میت بعد وفات میرسد یانه جواب نزد علمای حنفیه ۱۲
ثواب عبادت بدنی ومالی بمیت میرسد چنانکه در هدایه مرقوم است ان
للانسان له ان یجعل ثواب عمله لغیره صلوة او صوما او صدقة او غیرها
عند اهل السنة والجماعة انتهی وفی شرح الصدور للسیوطی اخرج الطبرانی
فی الاوسط عن انس قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ما من
اهل بیت یموت منهم میت فیتصدقون عنه بعد موته الا اهداها له جبرئیل علی
طبق من نور ثم یقف علی شفیر القبر فیقول یا صاحب القبر العمیق هذه هدیة

اهداه اليک اهلک ما قبلها فقد قل عليه فيفرح بها ويستبشر ويحزن جيرانه الذين
لم يهد اليهم شيء وايضا عن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه
وسلم ان الله تعالى ليرفع الدرجة للعبد الصالح في الجنة فيقول يا رب انى لي
هذه فيقول باستغفار ولدک لک انتهى وشيخ عبد الحق محدث دهلوي قدس سره
در جامع البرکات منتخب شرح مشکوة نوشته ودر حصول ثواب ووصول نفع
اموال بسوى اموات را بعبادات ماليه اتفاق است ودر بدنيه مثل نماز گزاردن وقرآن
خواندن اختلاف واصح وصول است كذا قال الشيخ ابن الهمام رحمة الله عليه
انتهى ومسئله دستور است که بعد وفات اهل قرابت وهمسايکان ميت طعام
پخته مي فرستند تا چند روز دادن آن طعام باهل مصيبت جائز است
22 مستحب است که همسايکان واقربای ميت برای صاحبان مصيبت
طعام تيار کرده تا يک شبانه روز بقدر سيری شکم ايشان ارسال نمايند چنانکه
در ميان شرح مواهب الرحمن نوشته است ويستحب للجيران واهل البيت
ويشبعهم الاباعد تهئة طعام لهم يشبعهم يومهم انتهى وعن عبد الله بن جعفر
قال لما جاء نعي جعفر قال النبي صلى الله عليه وسلم اصنعوا لآل جعفر طعاما
المشكوة فقد جاءهم ما يشغلهم رواه الترمذي وهكذا نقل مع فرق بعض الالفاظ ودر
جامع البرکات مينويسد که اين حديث دليل است بر آنکه مستحب است خويشان
وهمسايکان وغيرهم را تهيه طعام مر اهل ميت را وبعضي گفته اند که فرستادن

طعامی اهل میت روز اول بفرستند جهت آنکه اهل میت شغل تجهیز میت دارند
در مرثیت اکثر پختن طعام که جمع شوند از جهت بودن آن اما ...
... و اختلاف کرده اند در اکل طعام اهل مصیبت ...
گفته که یک دیگ هست هر کسی را که مشغول است بتجهیز میت ...
مسئله جهت تعزیه میت رفتن و هر دو دست بر داشته سوره فاتحه خواندن
جایز نیست یا نه جواب رفتن برای تعزیت میت جایز است و دعای مغفرت
برای وی نمودن مستحب است و همچنین دعای صبر برای اهل میت چنانکه
در فتاوی عالمگیری مرقوم است و مستحب آنست که یقال لصاحب التعزیة غفر الله
تعالی لمیتک وتجاوز عنه وتغمده برحمته ورزقک الصبر علی مصیبته وآجرک
علی موته کذا فی المضمرات ناقلا عن الحجة واحسن ذلک تعزیة رسول الله
صلی الله علیه وسلم ان لله ما اخذ وله ما اعطی وکل شیء عنده باجل مسمی انتهی
اما دست بر داشتن برای دعا وقت تعزیت ظاهرا جایز است زیرا که
در حدیث شریف رفع یدین در دعا مطلقا ثابت شده پس در تعزیت هم
رفع یدین جایز باشد لیکن تخصیص آن برای دعا وقت تعزیت ظاهر نیست
والله اعلم مسئله جهت تعزیت تا چند روز بخانه میت رفتن جایز است
جواب تعزیت نمودن از وقت موت تا سه روز جایز است و بعد سه
روز تعزیت کردن مکروه است مگر تعزیه کنند یا کسیکه نزد وی غایب باشد

22

تعزیت

[illegible] بعد [illegible] مستحب باشد تسلی و تعزیت [illegible] بعد [illegible] کنند که [illegible]
[illegible] تعزیت [illegible] [illegible]
[illegible] تعزیت [illegible]
من عزى مصابا [illegible] الى الميت [illegible]
[illegible] حين يموت الى ثلثة الايام [illegible]
المعزى او المعزى [illegible] در [illegible]
[illegible] تعزیت [illegible] از دفن و بعد از دفن [illegible]
و [illegible] تعزیت صبر و شکیبایی [illegible] مصیبت زده را
[illegible] مستحب [illegible] که بنشیند در [illegible] و مردم
[illegible] بلکه چون از دفن فارغ شوند برگردند [illegible]
[illegible] مصیبت [illegible] خود مشغول گردد و مردم نیز بکار [illegible]
[illegible] و تعزیت زیاده از یکبار نباید کرد [illegible]
[illegible] تعزیت [illegible] و تعزیت [illegible] و بعضی
[illegible] نشستن تا سه روز [illegible] در [illegible]
[illegible] شنیدن خبر قتل جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه و عبدالله
بن رواحه در مسجد [illegible] مردم می آمدند و [illegible]

23

[illegible] اند امتنه و حكمه كردن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مردمان [illegible]
[illegible] كلمه طيبه [illegible] فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible] نيز [illegible]
[illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
[illegible] بعد از روز [illegible]
صم قولكن [illegible] كما في [illegible]
[illegible] القرآن [illegible] بالفارسية [illegible]
[illegible]
[illegible] قرآن [illegible] سورة [illegible]
[illegible] السورة الاولى [illegible]
[illegible] القراءة [illegible]
الصلاة [illegible] القراءة سورة الاخلاص [illegible]
الفسادة من [illegible]
كما نقله [illegible]
[illegible]

في ايام الميت لانه يشرع في السرور لا في الشرور وهي بدعة مستقبحة ودر
فوائد المعتقدين آورده كه ارتكاب كردن طعاميكه از براي مرده ساخته شده باشند
مكروه است تا سه روز و بعد از سه روز هيچ باك نيست و آن طعام مر علما و فضلا
را مكروه است قال عليه السلام طعام الميت يميت القلب و طعام المريض
يمرض القلب وهم در نصاب الاحتساب آمده كه مكروه است ارتكاب كردن طعاميكه
[illegible] مرده كرده باشند انتهى وهكذا في قراخاني وغيره من الفتاوى
المعتبرة [illegible] اما ساختن طعام براي فقرا و مساكين بي تعيين روز [illegible] اول
از ين روزها يا از غير اين روزها پس جايز است كما قال البزازي وان
اتخذ طعاما للفقراء كان حسنا انتهى و در جامع البركات مرقوم است وآنچه
24 [illegible] تصدق به فقرا از اموات ميدهند تا ثواب آن بايشان برسد
[illegible] تصدق بر فقرا ميباشد و هديه مر اغنيا را انتهى و چيزي
[illegible] و دست [illegible] بر طعام [illegible] بطريق فاتحه مروج ميان عوام
[illegible] طعام از علماي سلف ماثور نيست بلكه در حرمين شريفين كه از اهل
[illegible] كه از زمان آنحضرت صلى الله عليه وسلم تا حال [illegible]
و شیرینی هم [illegible] بطريق فاتحه بر طعام قبل از خوردن آن نميدانند آري كسانيكه از
[illegible] براي زيارت كعبه شريفه رفته اقامت آنجا اختيار نموده اند البته [illegible]
ايشان [illegible] بحسب عادت اهل هند [illegible] همچنين امور در جاهاي خود ميشوند

تا معلوم شود که علمای آنجا از برکات خود ازین میشوند و بعد ما بعد و طریقه علمای
سلف همین بود که بعد خوردن طعام دعای مغفرت برای اهل میت
میکردند هکذا فی جامع البرکات ۲ و ظاهر است که بدعه عادت منقول
نشد کردن آن بدعت است و کل بدعة ضلالة و مقصود است که حفاظ
را نوکر داشته متعین قبر میسازند تا ختم کلام الله به میت بخشند
در این مسئله روایات مختلف اند از بعض کتب فقه چنان معلوم میشود
که حافظان را نزد قبر نشانیدن مکروه است و استحقاق ثواب قرات قرآن
نه میت را میشود و نه قاری را کما فی خزانة الروایات و فی التاتارخانیة
اجرة القرآن مثل ان یستاجر رجلا لیقرأ القرآن علی رأس القبر قیل هذه القراءة
لا یستحق به الثواب لا للمیت و لا للقاری انتهی و فی نصاب الاحتساب الجلوس
القاری عند القبر بدعة و لا معنی لصلة القاری لقراءته و لم یفعله احد من الخلفاء
و الصحابة رضی الله عنهم و از روایت در مختار معلوم میشود که نشانیدن
حفاظ نزد قبر مکروه نیست کما قال لا یکره اجلاس القارئین عند القبر
هو المختار پس در صورت اختلاف حسب قواعد اصول فقه عمل بالجواز
میکنند و آنرا صاحب مجالس و الفقیه بیان کرده لو قرأ فی بیته و اهدی
ثوابها الیهم بان قال بلسانه بعد فراغه من قرائته اللهم اجعل ثواب ما قرأته
لاهل القبور لو یصل الیهم لان هذا دعاء بوصول الثواب الیهم و الدعاء مقبول

۲ و در شرح شرعة الاسلام آورده و یدعو ای الضیف لصاحب الطعام بالبرکة و الرحمة و المغفرة بان یقول اللهم بارک لهم
فیما رزقته و یسر له ان یفعل خیرا منه و قنعه بما اعطیته و اغفر له و ارحمه و اجعلنا و اياه من الشاکرین و نیز درین کتاب
نوشته استحباب التسمیة فی اوله فان نسی التسمیة فی اوله فلیقل اذا تذکر التسمیة بسم الله اوله و آخره
و لیقرأ سورة الاخلاص اذا فرغ من الاکل انتهی ۲

بلا تعریف فلا یحتاج الی ان یقرأ علی قبورهم انتهی والله اعلم وعلمه احکم
مقرر ساختن سال بعد عرس و تقسیم طعام محتاجان و در برادری تقسیم بهاجی درست
است یا نه ثواب آن بمیت میرسد یا نه و آنچه مشهور است که شب جمعه وغیره
روح میت بخانهٔ خود آمده بآواز بلند میگوید که ای وارثان من چیزی
صدقه کنید این روایت در کتب معتبره حدیث آمده است یا نه جواب مقرر
ساختن روز عرس ~~و تقسیم طعام~~ جائز نیست چنانچه قاضی ثناء الله
پانی پتی در تفسیر مظهری میفرمایند لا یجوز ما یفعله الجهال بقبور الاولیاء والشهداء
من السجود والطواف حولها واتخاذ السرج والمساجد الیها ومن الاجتماع
بعد الحول کالاعیاد ویسمونه عرسا انتهی و تقسیم طعام به نیت ثواب بغیر
تعیین جائز است و کسی در منع آن دم نزده مگر طعامیکه بعد میت تیار میکنند
و آنرا بخش بخش کرده خانه بخانه میرسانند و آنرا بهاجی می نامند اعتباری ندارد
بجای آنکه متوقع ثواب در آن طعام نیست چنانچه شیخ عبد الحق در جامع البرکات
میفرمایند و آنکه بعد از سالی یا شش ماهی یا چهل روز درین دیار پزند و در میان
مردمان بخش کنند آنرا بهاجی گویند چیزی داخل اعتبار نیست بعد آنست
[illegible] همچنین شیخ الاسلام این عبارت شیخ را تمسک کرده بعینه در
کشف الغطا ایراد نموده است و آنکه در بعضی روایات آمده که روح میت بخانه
خود در بعضی شبها مثل شب جمعه و شب برات و شب عرفه وغیره می آید

25

و این روایات در کتب صحاح ستة نیست و تا وقتیکه روایات صحیح و مرفوع متصل
الاسناد نباشند از درجهٔ اعتبار ساقط است اگرچه بعضی آنرا در کتب جمع
نقل کنند بلکه بعضی علمای محدثین مثل ملا علی قاری و شیخ الاسلام وغیره
این روایات را تضعیف هم فرموده اند و شیخ عبد الحق علیه الرحمة این
روایت را در جامع البرکات به بیان غرابت آن آورده چنانچه میگوید
که در بعضی روایات غریبه آمده است که روح میت می آید خانهٔ خود را شب
جمعه پس نظر میکند که تصدق میکنند از وی یا نه والله اعلم انتهی

قبر و چبوتره
و چهار دیواری و گنبد از خشت و چونه تعمیر ساختن جایز است یا نه و اگر گرد
قبر از برای حفاظت آب از چونه پخته سازند و تعویذ قبر را خام دارند
درست است یا نه جواب پخته ساختن قبر و تعمیر نمودن گنبد و چهار دیواریها
و چبوتره نزد قبر جایز نیست چنانچه در حدیث شریف بروایت مسلم آمده
نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم ان یجصص القبر وان یبنی علیه وان یقعد
علیه و در مواهب الرحمان نوشته ویحرم البناء علی القبر للزینة ویکره للاحکام
بعد الدفن انتهی وهکذا فی العالمگیریة و صاحب تحفة الملوک میفرماید که اگر
از چونه گرد قبر برای حفاظت از آب بکند روا باشد زیرا که قبر و تعویذ آن موضع
استحکام نیست پس چنانچه قبر را خام داشتن بهتر است همچنان گرد او را
خام باید داشت انتهی اما درست نمودن قبر شکسته از گل لا باس به است

چنانچه در کتب فقه مذکور است فی العالمگیریه اذا خربت القبور فلا بأس
بتطیینها کذا فی التاتارخانیه انتهی و نیز شیخ عبدالحق در مدارج النبوه
آورده که در حدیث از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه آمده که آنحضرت صلی
الله علیه وسلم فرستاد او را تا هر جا صورتی و تمثالی ببیند محو نماید و نگذارد
هیچ قبری بلند مگر پست و هموار کند چنانکه بزمین نزدیک باشد و
در حدیث جابر آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم نهی کرد از گچ کردن گور
و گفته اند که اگر گچ گل کنند تا ویران نگردد درست است انتهی
خواندن نماز جنازه بر چارپایی و خواندن کلمه طیبه بالطریق جهر همراه
جنازه و گستردن فرش زیر میت در قبر و تلقین کردن میت بعد موت
خواندن نماز عمل برای میت بشمار چهل قدم رفته باز گردیدن
نزد قبر بعد از دفن جایز است یا نه خواندن نماز جنازه بر چارپایی
جایز است زیرا که نعش پاک آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بر سریر نهاده
نماز خوانده اند و اهل عرب تخته چارپایی و غیره را سریر
میگویند چنانچه در قاموس مرقوم است که الشریط خوص مفتول یشرط به السریر
[illegible] بالشیء ورق بالنخل انتهی یعنی شریط رسن خرما است
[illegible] رسن باریک [illegible] و از آن سریر را می بافند بر
[illegible] تا بر ساختن چارپایی [illegible] در عرف اهل هند [illegible]

26

و شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در ترجمه مشکوة شریف در بیان تزجیه جنازه فرموده
کند بجنس تکلم کنند که پس لفظ مرید بلغت عرب عام است که
اطلاق آن بمعنی مطلق و امثال ذلک آمده و من جمیع صلوة
الجنازة علی هذا المصدر فیکم جمله محاورات العرب و اذن
کلمه طیب بطریق جهر بجنازه مکروه است و اگر آهسته خوانند اگر چنانکه
آواز آن بدیگران نرسد مضایقه ندارد کما فی العالمگیریه و علی متبعی
الجنازة الصمت و یکره لهم رفع الصوت بالذکر و قراءة القرآن کذا فی
شرح الطحاوی فان اراد ان یذکر الله یذکر فی نفسه کذا فی فتاوی
قاضیخان انتهی و گستردن فرش زیر میت در قبر مکروه است نزد جمهور
از علمای مذاهب اربعه و انچه منقول است چادر زیر جسد مبارک آنحضرت
صلی الله علیه وسلم گسترده آن مخصوص است بذات مقدس نبوی صلی الله علیه
وسلم کذا فی المواهب اللدنیه و فی شرح ملا علی القاری رحمه الله ...
والصواب کراهة ذلک کما قاله الجمهور ... الخ
من الصحابة قال بعضهم ان ذلک من خصائصه علیه السلام ...
حدیثی در باب دفن آورده که در بیان ...
الله ... جای مبارک ... [illegible]
... رسول الله صلی الله علیه وسلم ... [illegible]

آنحضرت [illegible] در زیر وی صلی الله علیه وسلم قطیفه [illegible] و قطیفه بعد از [illegible]
و در کار باشد و آن را [illegible] سبب آن بعض
[illegible] در قبر شریف [illegible] میگویند که [illegible] آنحضرت صلی الله علیه وسلم
بعد [illegible] رضی الله عنهم [illegible] انداخت [illegible] بعد از
آنحضرت صلی الله علیه وسلم آن را نپوشد و در زیر نیز انداز د و استعمال نکند
و علما از جامه در ته انداختن مرده را مکروه میدارند به جهت آنکه تضییع
و اسراف است و بعضی میگویند که آن از خواص نبوت است زیرا که آنحضرت
صلی الله علیه وسلم [illegible] در قبر آمده است که [illegible] بعد از دفن [illegible]
[illegible] بعد از [illegible] کشف قبر [illegible] بعد از دفن و الله اعلم انتهی
27 و تلقین وقت نزع قبل از موت با جماع ثابت شده بلکه مستحب است اما
تلقین میت بعد از موت پس در آن اقاویل علما است در ظاهر
آنست که تلقین نکنند و در بعضی روایات آمده است که [illegible]
[illegible] تلقین کنند چنانچه در فتاوی عالمگیری مرقوم است
[illegible] بصورة التلقین ان یقال عنده فی حالة النزع قبل
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده
[illegible] علیه [illegible]
[illegible] التلقین [illegible]

وأما التلقين فمستحب [illegible] بعد الموت فلا [illegible]

[illegible] العبادات [illegible]

[illegible] بعد الدفن [illegible] المقرات [illegible] و در [illegible] شرح [illegible]

آورده و تلقين [illegible] كرده [illegible]

وأما التلقين بعد الدفن فلا يؤمر به ولا ينهى عنه [illegible]

در كتب مذهب و فقه كه معتبر و مضبوط اند از نظر گذشته ليكن در بعضى

تأليف و رسايل صوفيه نوشته است و براى [illegible]

[illegible] بسبب [illegible] قول و فعل مشايخ صوفيه [illegible]

شيخ الاسلام [illegible] كشف الغطا [illegible] مشايخ [illegible]

[illegible] متصل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بعد [illegible] بر [illegible] السلام عليكم [illegible]

[illegible]

[illegible] دیگر [illegible] کتب [illegible]

آنده بخوانند [illegible]

[illegible] آمده [illegible] فی دعاء [illegible]

[illegible] بهم انتهى و بعد از آنجا رفته عبرت گیرند و موت را یاد کنند و آنچه

خلاف سنت است بعمل نیارند یعنی قبر را بوسه ندهند و

بر قبور [illegible] حاجت نخواهند و سجده نکنند و دست بر آن ننهند چنانچه

[illegible] در شرح عين العلم آورده و لا يمسح [illegible] القبر و لا [illegible]

[illegible] النهي عن [illegible] عليه السلام فكيف بقبور سائر الانام

28 [illegible] زياده على [illegible] والتفصيل [illegible]

[illegible] است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ابو المطيعت ... [illegible] ... زيارت ... [illegible]

[illegible] ... حضرت ... [illegible]

[illegible] ... قال النبي صلى الله عليه وسلم ... الدنيا والآخرة ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

الذي ... [illegible] ... الآخرة و در کتاب مجالس الابرار و اعظيه مينويسد فاما النساء

فلا يحل لهن ان يخرجن الى المقابر لما روي عن ابي هريرة انه عليه الصلوة

والسلام لعن زوارات القبور انتهى وعن ابن عباس قال لعن

رسول الله صلى الله عليه وسلم زائرات القبور والمتخذين عليها المساجد

والسرج کذا في المشکوة و در نصاب الاحتساب آورده که سئل القاضي

عن جواز خروج النساء الى المقابر بل الفساد في مثل هذا فقال لا تسأل

عن الجواز والفساد في مثل هذا وانما تسأل عن مقدار ما يلحقها من اللعن

واعلم انها کلما نوت الخروج کانت في لعنة الله تعالى وملائکته عليهم السلام

واذا خرجت تحفها الشياطين من کل جانب واذا اتت القبر يلعنها روح

الميت واذا رجعت کانت في لعنة الله کذلک حتى تعود في بيتها وجاء

ايما امرأة خرجت الى مقبرة يلعنها ملائکة السموات السبع والارضين

السبع فيمشي في لعنة الله تعالى وايما امرأة دعت للميت في بيتها يعطيها

الله تعالى ثواب حجة وعمرة وروي عن سلمان وابي هريرة انه عليه الصلوة

والسلام رأى يوم خرج من المسجد وقف على باب دار فاطمة

فاطمة

[illegible] فقال لها من ابن جئت فقالت [illegible] الى منزل
[illegible] التي مات فقال لها هل زرت قبرها فقالت [illegible]
[illegible] بعد ما سمعت منك ما سمعت فقال لو زرت قبرها لم تر [illegible]
[illegible] الجنة انتهى و قاضی ثناء الله پانی پتی در رساله ما لابد منه آورده
که زیارت قبور مردان را جایز است زنان را نشاید [illegible] از اهل
قبور بطریق دعا و طواف نمودن و بوسه دادن و سجده کردن و گرد قبر
[illegible] کردن و غلاف پوشانیدن و جا در کل [illegible] بر جنازه
یا بر قبر [illegible] دست بسته ایستاده کردن [illegible] آن عید کردن برای غیر
خدا و شیرینی و طعام نهادن پیش آن جایز است [illegible] استعانت
29 و استمداد از اهل قبور هر چه که باشد جایز نیست چنانچه شیخ عبدالحق
در شرح مشکوة شریف که بر همان علم جلیه نوشته می آید و اما الاستمداد
باهل القبور في غير النبي او الانبياء عليهم السلام فقد انكره كثير من الفقهاء
وقالوا ليس الزيارة الا الدعاء للموتى والاستغفار لهم وايصال
النفع اليهم بالدعاء وتلاوة القرآن انتهى از این عبارت شیخ علیه الرحمة
والغفران چنان مستفاد گردیده که قبور انبیاء علیهم السلام از این حکم
که ممانعت استعانت و استمداد است از اهل قبور مستثنی اند لیکن
الا که ایشان را در برزخ حیات ابدی ثابت شده که دیگران را [illegible]

شهداء في سبيل الله بل احياء ... تعالى اينكه حيات شهدا نه حيات
دنيا نيست بلكه احكام حيات انبيا ديگر است و احكام حيات شهدا
ديگر پس ظاهر ان اين استدلال بدست نمى آيد و حق انست كه انكار
فقهاء عام است از آنكه استمداد از قبور انبيا كنند يا از قبور غير انبيا
همه جا نيست چنانكه از عبارات ديگر كتب فقها كه درين جواب
ايراد كرده ميشود واضح خواهد گرديد منجمله آن صاحب مجمع البحار
آورده من قصد زيارة قبور الانبياء والصلحاء وان يصلي
عند قبورهم ويدعو عندها ويسألهم الحوائج فهذا لا يجوز عند احد من
علماء المسلمين فان العبادة وطلب الحوائج والاستعانة حق لله
وحده انتهى وقال القونوي في ... ثم قال والاستعانة نوع تعبد
والعبادة الطاعة مع التذلل والخضوع وسمي العبد عبدا لذلته وانقياده
يقال طريق معبد اي مذلل انتهى وفي الحديث عن ابن عباس قال
كنت خلف رسول الله صلى الله عليه وسلم يوما فقال لي يا غلام احفظ الله
يحفظك احفظ الله تجده تجاهك اذا سألت فاسأل الله واذا
استعنت فاستعن بالله واعلم ان الامة لو اجتمعت على ان ينفعوك
بشيء لم ينفعوك الا بشيء قد كتبه الله لك ولو اجتمعوا على ان يضروك
بشيء لم يضروك الا بشيء قد كتبه الله عليك رفعت الاقلام وجفت
الصحف

الضعف رواه احمد والترمذی کذا فی المشکوة و بجهت طواف نمودن
گرد قبر جایز نیست قرینی باشد یا قبر ولی چنانچه ملا علی قاری در
جمع من مناسک نوشته و لا یطوف ای لا یدور حول البقعة الشریفة لان
الطواف من مختصات الکعبة المنیفة فیحرم حول قبور الانبیاء والاولیاء
و لا عبرة بما یفعله العامة الجهلة ولو کانوا فی صورة المشایخ والعلماء
انتهی و نیز بوسه دادن بر قبر و سجده کردن و رو سینه کردن نزد قبر جایز
نیست چنانچه در کتاب شجرة الایمان مرقوم است و گور را سجده
کردن و بوسه دادن و بر رو دست مالیدن و طواف کردن و از قبر
حاجت طلبیدن و در قبرستان چراغها افروختن همه مکروه تحریمی است
30 انتهی و شیخ الاسلام در کشف الغطا آورده که دست نهد بر قبر و مسح
نکند آن را و بوسه ندهد و منحنی نشود و رو بخاک نمالد که این عادت
نصاری است و مشایخ در منع آن تشدید بسیار دارند کذا فی عامة
الکتب انتهی و نیز پوشانیدن غلاف بر قبر درست نیست کما فی
نصاب الاحتساب تسجیة القبر مشروع اصلا فی حق الرجال
بعد تسویة اللبن فی حق النساء و دعوی علی القبر رجل قد سجی فنهاه
انتهی و به هر تقدیر قیاس انداختن گل و چادر گل بر قبر تقربا جایز
نیست زیرا که تقرب لغیر الله حرام و ممنوع است و چادر گل

بر قبها مناره افراختن بدعت است و مکروه تحریمی و نیز استاده کردن خیمه
و شامیانه بر قبر مکروه است چنانچه در تحریر شیخ الاسلام و غیره مرقوم است
و یکره ان یبنی علی القبر مسجد او غیره وان یضرب علیه فسطاط او
قبة یقام فیه ولیستظل القبور فانما یظلّ المیت عمله انتهی و نذر کردن
برای بعض اولیا و شیرینی و طعام آوردن نزد قبر بطریق نذر یا بطریق
تقرب بسوی ایشان نیست بلکه بدعت و مکروه تحریمی است و عادت کفار
منسوب شان قال فی الدر المختار واعلم ان النذر الذی یقع للاموات
وما یؤخذ من الدراهم والشمع والزیت ونحوها الی ضرائح الاولیاء
الکرام تقربا الیهم فهو بالاجماع باطل وحرام ما لم یقصدوا صرفها لفقراء
الانام وقد ابتلی الناس بذلک ولا سیما فی هذه الاعصار وقد بسطه
العلامة قاسم فی شرح درر البحار ولذا قال الامام محمد لو کان العوام
عبیدی لاعتقتهم بلا ولائی وذلک بانهم لا یعقلون فالکل به یعترفون
انتهی و در کشف الغطاء آمده اما نذر یکه میکنند اکثر عوام و مسلمین بر تربت
یکی بعضی از قبور صلحا را و میگویند ای سیدا اگر قضا کنی حاجت مرا
پس برای تو است این قدر از زر یا طعام است در بحر الرائق گفته که این نذر
باطل است باجماع زیرا چه آن نذر مخلوق است و آن جایز نیست
انتهی و فی الحدیث لا وفاء لنذر فی معصیة الله رواه ابو داود

کرا

کرده‌اند للتلاوة ربنا اغفر لنا ذنوبنا واسرافنا فی امرنا وثبت اقدامنا و
انصرنا علی القوم الکافرین تمام شد در بیان آنکه آدمی را از مرگ گریز نیست
قال الله تعالی کل نفس ذائقة الموت و با وجود این کسی نمیداند که مرگ کجا خواهد
بود و کی خواهد مرد قوله تعالی ما تدری نفس ماذا تکسب غدا و ما تدری نفس بای
ارض تموت ان الله علیم خبیر تا آنکه انبیاء و رسل در جواب جز کلمه لا ادری هیچ
بر زبان نیاوردند قال رسول الله صلی الله علیه وسلم والله لا ادری والله لا ادری
ما یفعل بی ولا بکم پس بر [illegible] اهل ایمان را لازم است که
مبادرت بحقوق صاحبان حق مبادرت نمایند مبادا که دام و غفلت در پنجه اجل
گرفتار آیند قال الله تعالی فاذا جاء اجلهم فلا یستاخرون ساعة ولا یستقدمون
بدان ای برادر ارشدک الله تعالی فی الدارین که دو چیز است در جهان که بنی آدم را
خوش نمی‌آید یکی موت دیگری قلت مال قال الله تعالی عسی ان تکرهوا شیئا
وهو خیر لکم وعسی ان تحبوا شیئا وهو شر لکم والله یعلم وانتم لا تعلمون موت
بهتر است برای آنکه در طول عمر رنج و بلا بیشتر و قلت مال خوشتر است برای
آنکه در آخرت مؤاخذه حساب کمتر قال رسول الله صلی الله علیه وسلم کن فی الدنیا
کانک غریب او عابر سبیل وعد نفسک من اهل القبور و سه چیز است که بعد
[illegible] جنازه صحبت میرسد از آنجمله دو چیز باز میگردد و یک چیز رفیق وی
[illegible] اهل و مال [illegible] عمل قال الله تعالی فمن یعمل مثقال
ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شرا یره [illegible] چیز است که بنده [illegible]

31

یکی آنکه برای سکوت [illegible] باشی [illegible] سوم [illegible]
[illegible] ثابت [illegible] رسول [illegible]
یکی [illegible] کرده [illegible] از [illegible] سوم [illegible]
از [illegible] چهارم از [illegible] بکدام [illegible]
[illegible] رفعته [illegible] و در زبان او [illegible]
دون [illegible] قال رسول الله صلی الله علیه وسلم [illegible]
[illegible] قبل [illegible] قبل [illegible] قبل [illegible]
قبل [illegible] را اعدا [illegible] عمل [illegible]
[illegible]
آفرین [illegible] دار [illegible]
لا اله الا الله دخل الجنة زیرا که اعمال صالحه [illegible] ایمان و اسلام بکار نخواهند آمد
[illegible] اعمال [illegible]
پروردگار [illegible] الله تعالی فرماید که [illegible]
[illegible] پروردگار فرماید که [illegible]
[illegible] فرماید که [illegible]
اعمال [illegible] پروردگار [illegible] فرماید که [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] اسلام [illegible]
اسلام [illegible] خدا تعالی [illegible]
[illegible] صلی الله علیه وسلم
[illegible] الا اسلام

وسلطان

مسلمان کامل آنست که در میان بود دنیا و آخرت سنت پیغمبر [illegible]
[illegible] نظر [illegible] مسلمانان از دست و زبان
[illegible] قال رسول الله صلی الله علیه وسلم المسلم من سلم المسلمون من
لسانه و یده [illegible] اتباع سنت آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرض و واجبست
در ظاهر و باطن و اتباع طریقهٔ آنحضرت صلی الله علیه وسلم ثمرهٔ محبت است با خدا
خدا و محبت
قال الله تعالی قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله [illegible]
آنحضرت صلی الله علیه وسلم از محبت دیگران [illegible]
قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ثلث من کن فیه وجد بهن حلاوة الایمان
من کان الله و رسوله احب الیه مما سواهما و من احب عبدا لا یحبه الا لله
و من یکره ان یعود فی الکفر بعد ان انقذه الله منه کما یکره ان یلقی فی النار
[illegible] که [illegible] مقامات [illegible] و کلام
32 [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

الفاضل المحقق الامام المجتهد المتبحر … باقی الصالحین …

غیبت دیگران زیاده از شصت کس … و …

مقصود از خیر خواهی برادران دینی … تا خیر کمالات …

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الدین النصیحة و در عیب … ایشان …

کوشند … بسبب بعضی معاملات … واقع کرده از … روز

زبان … و بهترین ایشان کسی است که بعد

کرده … عبارت …

… قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی ان

یکونوا خیرا منهم ولا نساء من نساء عسی ان یکن خیرا منهن …

… دین و پیشوایان اهل یقین … مغفرت …

کاتب … این رساله را … این دعا ختم میکند ربنا اغفر لنا

ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا

ربنا انک رءوف رحیم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]